

امامان شیعه در عصر عباسیان (۲)

مقدمه

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، شیعیان تحت ولایت و هدایت چهار امام معصوم علیهم السلام قرار گرفتند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره آن بود که شیعیان برای نخستین بار امامت در طفولیت را تجربه کردند و رفته‌رفته با خصایص امام زمان علیه السلام و شرایط عصر غیبت آشنا شدند. در درس حاضر، زمانه و زندگی امامان شیعه، پس از شهادت امام رضا علیه السلام و نیز دوره غیبت صغری بررسی و تحلیل خواهد شد.

شیعه به نبوت بعضی از پیامبران در کودکی؛ همچون حضرت سلیمان، حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم السلام.
 ۲- توان پاسخگویی امام جواد علیه السلام به پرسش‌های متعدد و متنوع شیعیان و غیر شیعیان؛
 ۳- انجام معجزات و امور خارق عادت.

امام جواد علیه السلام در بغداد

خواندید که مأمون تصمیم گرفت برای کنترل بیشتر اوضاع، پایتخت خود را از مرو به بغداد انتقال دهد. او در مسیر بغداد، امام رضا علیه السلام را در سناباد طوس به شهادت رساند. پس از رسیدن به بغداد، چون متوجه شد شیعیان رو به امام جواد علیه السلام آورده‌اند و امامتش را پذیرفته‌اند، آن حضرت را از مدینه به بغداد فراخواند. مأمون از آنجا که شنیده بود شیعیان معتقدند امام جواد علیه السلام حتی در این سن

امام جواد علیه السلام، امامت در طفولیت
 امام رضا علیه السلام در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ ق به شهادت رسید. فرزند آن حضرت - امام جواد علیه السلام - کودکی هشت ساله بود؛ به طور طبیعی پذیرش امامت طفلی هشت‌ساله، برای شیعیان آسان نبود؛ از این رو، در آغازین روزهای امامت امام جواد علیه السلام، این بحث در محافل شیعی داغ بود که چگونه می‌توان امامت کودکی نابالغ را پذیرفت! همین مسئله سبب شد عده‌ای از شیعیان به سراغ «عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام» رفته و امامت او را بپذیرند؛ اما هنگامی که او را از پاسخ به سؤالات شرعی‌شان عاجز یافتند وی را رها کردند. آنچه موجب شد رفته‌رفته، امامت امام جواد علیه السلام مورد پذیرش جامعه شیعه قرار گیرد، سه نکته اساسی بود:

۱- استدلال امام جواد علیه السلام و برخی از دانشمندان

کم، توان پاسخگویی به هر پرسشی را دارد تلاش کرد با ترتیب دادن مجلس مناظره میان امام و دانشمندان مطرح آن عصر، امام را رسوا و شیعیان را از اطراف ایشان پراکنده سازد. بدین منظور، مجلس مناظره‌ای با حضور امام علیه السلام و قاضی القضاة بغداد -یحیی بن اکنم- ترتیب داد. در این مناظره، یحیی بن اکنم پرسشی مطرح کرد و امام علیه السلام در پاسخ، ابعاد مختلف آن پرسش را برای او تشریح کرد. سپس امام، از یحیی مسئله‌ای پرسید و او از پاسخ عاجز ماند و امام -به درخواست یحیی- خودش پاسخ را ارائه کرد. پیروزی شکوهمند امام در این مناظره سبب شگفتی همه حاضران شد و مأمون به فکر توطئه‌ای دیگر افتاد. وی در پوشش تجلیل و اکرام امام، پیشنهاد کرد دخترش

-ام‌الفضل- با امام ازدواج کند. از این رو، مجلس جشنی ترتیب داد و دخترش را به عقد امام درآورد. اهداف او از این کار عبارت بود از:

- ۱- تظاهر به دوستی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم،
- ۲- مهار کردن قیام علویان،
- ۳- بدنام کردن امام، از طریق آلوده کردنش به زندگی درباری،
- ۴- تولد کودکی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خاندان عباسی. می‌توان حدس زد در صورت ولادت چنین کودکی، خاندان عباسی تا چه میزان از او، برای مشروعیت بخشی به خلافتشان سود می‌جستند! و البته خداوند هیچ‌گاه ام‌الفضل را دارای فرزند نکرد.

یک توضیح

اسوه پاکي و گناه گريزي

نقل شده است که مأمون عباسی تلاش زیادی کرد تا دامان امام جواد علیه السلام را به گناهی که در دربار خلفا و حاکمان مرسوم بود، آلوده کند، اما توفیقی در این راه حاصل نکرد. در مجلس عروسی امام نهم علیه السلام با ام‌الفضل، به دستور مأمون، دو بست کنیز خوب رو در حالی که در دست هر یک جامی با گوهری در درون آن قرار داشت به نوبت، مقابل آن حضرت قرار می‌گرفتند، تا ایشان گوهر را بردارد. اما امام علیه السلام کمترین توجهی به هیچ یک از آنان نمود. همین رفتار را امام علیه السلام نسبت به فرد نوازنده‌ای به نام مخارق داشت که در برابر ایشان مشغول نواختن شد و چون اصرار به ادامه نواختن کرد، ناگاه امام بر او نهیب زد و خطاب به او فرمود: از خدا بترس و تقوا پیشه ساز. با این نهیب امام، چنان رعشه‌ای بر جان مخارق افتاد که آلت موسیقی از دستانش رها شد و توانست به کارش ادامه دهد.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید میان دو اقدام مأمون در پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام و پیشنهاد ازدواج با ام‌الفضل به امام جواد علیه السلام، تشابهی بیابید؟

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۵.

نقش فرهنگی امام جواد علیه السلام

مأمون در سال ۲۱۸ق از دنیا رفت و خلافت به برادرش
— معتصم — انتقال یافت. معتصم در سال ۲۲۰ق امام را به
بغداد احضار کرد و طی توطئه‌ای، ایشان را با مسمومیت
به شهادت رساند.^۱

امام جواد علیه السلام پس از ازدواج تحمیلی با دختر
مأمون، از بغداد به مدینه بازگشت. پس از آن، یک بار
دیگر در عصر مأمون (سال ۲۱۵ق) به بغداد سفر کرد.



ضریح مطهر امام موسی کاظم و امام جواد علیه السلام

امام هادی علیه السلام در سامرا

امام هادی علیه السلام نیز — همچون پدرش — در سنین
طفولیت به امامت رسید. ولادتش در سال ۲۱۲ق و
آغاز امامتش در سال ۲۲۰ق و در هشت سالگی بود.
از آنجا که شیعیان، پیش از این، امامت در سنین کودکی
را تجربه کرده بودند، مشکل چندانی در پذیرش امامت
امام دهم پیدا نکردند. به هنگام شهادت نهمین پیشوا،
امام هادی علیه السلام در مدینه اقامت داشت. پس از آن نیز تا
سیزده سال در مدینه به انجام امور امامت و رهبری شیعه
اشتغال داشت.

غالب دوره حیات امام جواد علیه السلام، در مدینه سپری
شد. در طی این مدت آن حضرت اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- تشکیل مجالس و محافل علمی و بیان احادیث
اهل بیت علیهم السلام و انجام مناظرات علمی،
- ۲- مقابله با تحریف مبانی دینی و سنت نبوی صلی الله علیه و آله،
- ۳- مبارزه با فرقه‌های منحرف، به ویژه گروه‌هایی
همچون زیدیه، غالیان و واقفه،
- ۴- تربیت شاگردان،
- ۵- گسترش ارتباط با شیعیان مناطق مختلف از
طریق وکلا و نمایندگان،
- ۶- تثبیت امامت خود و فرزندش، امام هادی علیه السلام.

۱- هم اکنون مرقد مطهر آن حضرت، در شهر کاظمین (کنار بغداد) محل زیارت مشتاقان است.

در سال ۲۳۳ق، متوکل - خلیفه ستمگر و سفاک عباسی به تحریک کارگزارش در مدینه، آن حضرت را به سامرا^۱ فراخواند. امام علی^{علیه السلام} به نیت متوکل واقف بود، اما ناچار از انجام این سفر شد. مردم مدینه نیز که تجربه خوبی از این گونه فراخوانی‌ها نسبت به ائمه^{علیهم السلام} نداشتند، صدا به گریه و شیون بلند کردند.



برج مَلَوِيَّة در سامرا

یک توضیح

بنای سامرا

در سال ۲۲۰ق، معتصم عباسی، طی سفری که به نواحی شمالی بغداد داشت، ناحیه سامرا را پسندید و تصمیم گرفت در آنجا شهری بنا کند و مرکز حکومت را از بغداد به آنجا انتقال دهد و بنای این شهر در کنار رود دجله در سال ۲۲۱ق انجام گرفت. و از آن پس تا سال ۲۷۹ق، به عنوان مرکز حکومت عباسیان مطرح بود. سبب اقدام معتصم به این کار آن بود که وی به سپاهیان ترک که از ماوراءالنهر آورده شده بودند، علاقه زیادی داشت و می‌خواست مکان مستقلی از بغداد برای استقرار آنان ترتیب دهد؛ زیرا دیگر سپاهیان و نیز مردم بغداد از حضور آنان ناخشنود بودند. پس از بنای سامرا، زیبایی شهر و خوش آب و هوا بودنش موجب سُرور کسانی می‌شد که آن را می‌دیدند. از این رو، به «سُرْمَنْ رَأَى» نیز مشهور شد. امام دهم و یازدهم ما شیعیان به این شهر فراخوانده شدند. و پس از مدتی حضور در آن، به شهادت رسیدند و در آن، مدفون شدند و امام دوازدهم نیز از همین شهر غائب شد. در سال ۲۷۹ق پس از یک جنگ داخلی میان عباسیان، مجدداً بغداد مرکزیت یافت.

مأمور به طور غافلگیرانه به خانه حضرت هجوم برند، ولی مأموران پس از ورود به خانه، چیزی نیافتند و امام علیه السلام را در حالی دیدند که در یک اتاق خالی از فرش، مشغول تلاوت آیات قرآن بود. آنان، امام هادی علیه السلام را به مجلس عیش و نوش متوکل بردند و او در حالی که کاسه شرابی در دست داشت، آن را به امام تعارف کرد. امام امتناع کرده و فرمود: «گوشت و خون من تا به حال با شراب آلوده نشده است.» متوکل از امام خواست شعری بخواند تا او به وجد و نشاط آید. پس از اصرار متوکل، امام علیه السلام اشعاری خواند که یادآور مرگ و قبر و ناپایداری دنیا بود آن اشعار به گونه ای در حاضران آن مجلس اثر گذاشت که حتی متوکل گریست! و دستور داد بساط شراب را برچینند و امام را با احترام به خانه اش بازگردانند.

با ورود امام هادی علیه السلام به سامرا، متوکل در آغاز آن حضرت را در کاروانسرای محقر جای داد، سپس به خانه ای در یک پادگان نظامی (عسکر) منتقل کرد، بدین جهت امام دهم و نیز امام یازدهم به «عسکری» معروف شده اند.

امام هادی علیه السلام بیش از بیست سال و تا پایان عمر، در سامرا اقامت داشت و چهارده سال از این مدت را متوکل عباسی حاکمیت داشت. این دوره، سخت ترین دوران زندگی آن حضرت بود. متوکل به علت دشمنی شدیدی که با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت برخوردهای بی ادبانه ای با امام هادی علیه السلام کرد. به عنوان مثال، هنگامی که به او گزارش دادند در منزل امام هادی علیه السلام ادوات جنگی و نامه هایی از شیعیان وجود دارد، دستور داد عده ای



ضریح مبارک امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام

۱- ترجمه آن اشعار چنین است:

- «بر بلندای کوه‌ها شب را به سحر آوردند، در حالی که مردان چیره و نیرومندی از آنان پاس می‌دادند، ولی آن قلّه کوه‌ها برایشان سودی نبخشید.»
- از پناهگاه‌هایشان پایین کشیده شدند و در زیر خاک سیاه قرار گرفتند و چه بد جایی را برای رحل اقامت برگزیدند.»
- «پس از آنکه در قبرهای خود قرار گرفتند، فریادزنی بر آنها بانگ زد: کجا رفت آن بازوبندها، کو آن تاج‌ها، و کجاست آن زر و زیورها.»
- «کجا رفت آن چهره‌ها که با ناز و نعمت پرورش یافته و مقابل آنها پرده‌های گرانبهای نازک آویخته بودند.»
- «هنگامی که این سؤال از آنها می‌شود، قبرهایشان از طرف آنها جواب می‌دهد: آن چهره‌ها هم اکنون محل آمد و شد کرم‌های لاشخوار شده‌اند.»
- «عمرهای دراز، خوردند و آشامیدند و اکنون پس از آن همه عیش و نوش، خود خوراک کرم‌ها شده‌اند.»
- «چه بسیار کاخ‌ها ساختند که آنها را در بگیرد، ولی سرانجام آن کاخ‌ها و عزیزان خود را وا گذاشتند و درگذشتند.»
- «چه بسیار اموالی که روی هم انباشتند، ولی آن را برای دشمنانشان برجای گذاشتند و زندگی را بدرود گفتند.»
- «عاقبت نشمینگاه‌های آنان به ویرانی گرایید و به حال خود رها شد و ساکنان آن کاخ‌ها به سوی قبرهایشان شتافتند.»

زنند و بر آن آب بیندند. مجموع این اقدامات، متوکل را مشمولِ نفرین امام هادی علیه السلام قرار داد و سرانجام در سال ۲۴۷ق، به وسیلهٔ پسرش - منتصر - و عده‌ای از سربازان ترک در قصرش کشته شد.

متوکل حتی پا را از این فراتر نهاده، امام را واداشت که همچون درباریان به صورت پیاده، در رکاب او - که سواره بود - حرکت کند. وی در یک مجلس، به تمسخر امام علی علیه السلام پرداخت و نیز دستور داد قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را ویران کنند، زمین آن را شخم

یک توضیح

اسوهٔ شکرگزاری

امامان معصوم علیهم السلام، الگوهای کاملی در توجه به نعمت‌های خداوند و دارا بودن مقام شکر بودند. یکی از یاران بسیار نزدیک امام هادی علیه السلام، به نام ابوهاشم جعفری می‌گوید: به شدت، گرفتار فقر و تنگدستی شدم. از این رو، نزد امام علیه السلام رفتم تا زبان به شکوه گشایم، اما قبل از آنکه سخنی بگویم، آن حضرت آغاز به سخن کردند و فرمودند: ای ابوهاشم، دوست داری شکرگزار کدام یک از نعمت‌های خداوند باشی؟! ابوهاشم می‌گوید: با این پرسش امام، مبهوت ماندم و نتوانستم چیزی بگویم. امام هادی علیه السلام فرمود: خداوند، نعمت ایمان به تو عطا کرد که با آن از عذاب به دور باشی؛ خداوند، نعمت عافیت و سلامتی به تو عطا کرد که با آن، موفق به انجام طاعات و تکالیف خود شوی؛ خداوند، نعمت قناعت به تو عطا کرد که با آن، از تبذیر و مصرف بی‌جای اموال به دور باشی. این را گفتم، چون دیدم قصد داری از فقر خویش شکوه کنی. ضمناً یکصد دینار نیز برایت کنار نهاده‌ام، بگیر.^۱



گنبد حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام
در شهر سامرا

تلاش‌های فرهنگی امام هادی علیه السلام

مدت امامت امام دهم، حدود ۳۴ سال بود که بیش از بیست سال از آن، در سامرا سپری شد. با اینکه آن حضرت در سامرا تحت مراقبت شدید قرار داشت، میراث علمی و فرهنگی ماندگاری از خود بر جای نهاد. امام هادی علیه السلام از «شبكة وکالت» - که متشکل از نمایندگان و وکلای او در مناطق شیعه‌نشین بود - برای ایجاد ارتباط با شیعیان بهره می‌برد، بدون اینکه آنان مجبور باشند خطرات را بر جان خریده و شخصاً عازم سامرا شوند.

از بررسی روایات مختلف می‌توان محورهای اصلی تلاش فرهنگی و علمی امام دهم را در امور زیر خلاصه کرد:

۱- تربیت یاران و شاگردانی برجسته و مهذب، برای به دست‌گیری جریان هدایت شیعه در عصر غیبت؛ به عنوان مثال، عثمان بن سعید عمری - اولین نایب امام عصر علیه السلام در عصر غیبت صغری - از تربیت شدگان امام هادی علیه السلام بود.

۲- مبارزه با جریان‌های انحرافی در شیعه، به ویژه غالبان؛ اینان کسانی بودند که برای ائمه علیهم السلام جنبه خدایی قائل بودند و امام با آنان به سختی برخورد می‌کرد.

۳- تبیین جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام؛ به عنوان نمونه، زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است.

۴- تأکید بر فرهنگ دعا و زیارت؛ فرازهای بلندی از آن حضرت در این زمینه نقل شده که از برترینشان، همان زیارت جامعه کبیره است.

۵- تأکید بر اصالت قرآن؛ شایان ذکر است که در دوره امامت آن حضرت، اختلافاتی در میان مسلمانان نسبت به ماهیت قرآن پدید آمده بود و آنچه امام دهم بر آن

تأکید داشت این بود که قرآن اصل است و هنگام اختلاف باید به آن رجوع شود؛ و هر روایتی که با قرآن مخالف بود باید از آن روایت دوری جست.

امامت یازدهمین پیشوا در آستانه غیبت صغری

یازدهمین امام شیعیان، امام حسن عسکری علیه السلام در ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ق، در شهر مدینه دیده به جهان گشود. یک ساله بود که به ناچار، با عزیمت پدر به سامرا، او نیز به این شهر برده شد و تا آخر عمر (سال ۲۶۰ق) در آنجا می‌زیست. شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر زندگی آن حضرت، مشترکات فراوانی با پدرش - امام هادی علیه السلام - دارد. از آنجا که امام هادی علیه السلام از بین فرزندان، امامت امام حسن عسکری علیه السلام را به سران شیعه اعلام کرده بود اغلب شیعیان، امامت او را پذیرفتند. البته اندکی نیز به امامت برادرش - جعفر - و نیز برادر دیگرش - محمد - باور پیدا کردند. این در حالی بود که محمد در زمان حیات امام هادی علیه السلام از دنیا رفته بود، ولی گروهی اندک او را زنده می‌پنداشتند.

امام عسکری علیه السلام در طول سالیان اقامتش در سامرا، طی چند نوبت به زندان افتاد. ایشان در زمانی که خارج از زندان به سر می‌بردند نیز ناگزیر بودند روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دارالخلافه حضور یابند. حضور به ظاهر محترمانه امام در دارالخلافه، ترفندی برای تحت نظر گرفتن ایشان بود. از آنجا که شیعیان به سختی می‌توانستند در محل سکونت حضرت، با او دیدار کنند، مسیر حرکت امام به دارالخلافه را فرصت خوبی برای دیدار می‌دیدند، هر چند، گاه در همین فرصت نیز امام و شیعیانش، از دید جاسوسان حکومت مخفی نبودند. یکی از شیعیان به نام حلبی چنین نقل می‌کند: «در یکی

از روزها که قرار بود امام عسکری علیه السلام به دارالخلافه رود، مادر عسکر (محلّه سکونت امام) به انتظار دیدارش جمع شدیم؛ در این حال، از سوی آن حضرت نامه‌ای به این مضمون رسید: کسی بر من سلام و به سویم اشاره نیز نکند؛ زیرا که در امان نیستید!»

این روایت، به خوبی گویای آن است که امام و شیعیانش، تا چه حد از سوی دستگاه خلافت، تحت نظر بودند.

«مکاتبه» یکی از راه‌هایی بود که امام با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند. همچنین، وجود وکلا و نمایندگان امام در میان شیعیان، راه ارتباطی خوبی بود.

یک توضیح

اسوه انسان‌سازی

امامان معصوم علیهم السلام، خود قبل از دیگران به آنچه می‌گفتند عمل می‌کردند. از این رو، گفتار و رفتارشان، تأثیرات خارق‌العاده‌ای بر روح و جان انسان‌های مستعد می‌نهاد.

زمانی که امام حسن عسکری علیه السلام در زندان یکی از کارگزاران حکومتی به نام صالح بن وُصَیف، زندانی بودند، برخی از دشمنان آن حضرت از خاندان بنی‌عباس، نزد صالح آمدند و خواستار سختگیری بیشتر نسبت به امام علیه السلام شدند. صالح به آنان گفت: من بدترین زندانبانان را برایشان گماشتم، اما آنان پس از مدت کوتاهی، گرایش عجیبی به نماز و عبادت پیدا کرده‌اند. سپس دستور داد آن دو زندانبان را احضار کنند. آنان گفتند: ما درباره کسی که روزها را روزه و شب‌ها را به نماز می‌ایستد و توجهی به غیر عبادت ندارد، چه بگوییم؟ او کسی است که چون به ما نگاه می‌کرد، از هیبتش اختیار از دست می‌دادیم.^۱

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|--------------------------------------|---|---|---|---|---|---|--------------------------------------|--|-------------------------------------|
| | | | | | | | | | | معتد (۲۵۶-۲۷۹ ق) | |
| | | | | | | | | | | مهدی (۲۵۵-۲۵۶ ق) | |
| | | | | | | | | | | معتز (۲۵۲-۲۵۵ ق) | |
| | | | | | | | | | | مستعین (۲۴۸-۲۵۲ ق) | |
| | | | | | | | | | | منتصر (۲۴۷-۲۴۸ ق) | |
| | | | | | | | | | | متوکل (۲۳۲-۲۴۷ ق) | |
| | | | | | | | | | | هارون و اتق (۲۲۷-۲۳۲ ق) | |
| | | | | | | | | | | محمد معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ق) | |
| | | | | | | | | | | عبدالله مأمون (۱۹۳-۲۱۸ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابوموسی محمد امین (۱۹۳-۱۹۸ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابوجعفر هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابومحمد هادی (۱۶۹-۱۷۰ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابوعبدالله مهدی (۱۵۸-۱۶۹ ق) | |
| | | | | | | | | | | منصور دو اتقی (۱۳۲-۱۵۸ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ ق) | |
| | | | | | | | | | | مروان بن محمد (۱۲۷-۱۳۲ ق) | |
| | | | | | | | | | | یزید بن ولید اول (۱۲۶-۱۲۷ ق) | |
| | | | | | | | | | | ولید بن یزید (۱۲۵-۱۲۶ ق) | |
| | | | | | | | | | | هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ ق) | |
| | | | | | | | | | | عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱-۱۰۵ ق) | |
| | | | | | | | | | | سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹ ق) | |
| | | | | | | | | | | ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ق) | |
| | | | | | | | | | | عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ق) | |
| | | | | | | | | | | مروان بن الحکم (۶۴-۶۵ ق) | |
| | | | | | | | | | | معاویة بن یزید (۶۴ ق) | |
| | | | | | | | | | | یزید بن معاویة (۶۰-۶۴ ق) | |
| | | | | | | | | | | معاویة بن ابی سفیان (۴۱-۶۰ ق) | |
| | | | | | | | | | | حسن <small>علیه السلام</small> (۴۰-۴۱ ق) | |
| | | | | | | | | | | علی <small>علیه السلام</small> (۳۶-۴۰ ق) | |
| | | | | | | | | | | عثمان (۲۴-۳۵ ق) | |
| | | | | | | | | | | عمر (۱۳-۲۳ ق) | |
| | | | | | | | | | | ابوبکر (۱۱-۱۳ ق) | |
| حضرت مهدی (عج) | امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> | امام هادی <small>علیه السلام</small> | امام محمد جواد <small>علیه السلام</small> | امام علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> | امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> | امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small> | امام محمد باقر <small>علیه السلام</small> | امام علی بن حسین <small>علیه السلام</small> | امام حسین <small>علیه السلام</small> | امام حسن <small>علیه السلام</small> | امام علی <small>علیه السلام</small> |
| امامان شیعه <small>علیهم السلام</small> | | | | | | | | | | | |
| خلفای وقت | | | | | | | | | | | |

عباسیان

امویان

خلفای نخستین

بنابر بعضی از گزارش‌های تاریخی، امام دهم و یازدهم علیهما السلام ارتباط مستقیم و نیز ملاقات حضوری با شیعیان را کاهش داده بودند. به نظر شما این اقدام چه دلیلی داشت؟

امام مهدی علیه السلام و غیبت و انتظار

در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ق، شهر سامرا شاهد رخدادی بزرگ بود. در این شب، نوزادی در این شهر به دنیا آمد که پیامبران الهی همواره بشارت ولادت و ظهور او را داده بودند. خانه امام عسکری علیه السلام غرق در سرور و شادی گشت و نرگس خاتون - همسر آن حضرت - مادر شد. او مادر کسی بود که «مهدی» نام گرفته بود و وظیفه گسترش عدالت در کل جهان بر دوش او بود. به سبب حساسیت خلافت عباسی، ولادت این کودک باید کاملاً مخفی می ماند؛ از این رو، پس از ولادت او، امام عسکری علیه السلام وی را تنها به افراد مورد اعتماد از میان شیعیان نشان می داد و بر امامت او تأکید می ورزید.

امام عسکری علیه السلام همچنین شیعیان را نسبت به نزدیکی زمان غیبت آگاه کرد. آن حضرت با نصب وکلای مورد اعتماد در نقاط مختلف شیعه نشین، زمینه های لازم را برای ورود شیعیان به عصر غیبت فراهم ساخت؛ زیرا شیعیان در عصر غیبت، تنها از طریق نواب و وکلای حضرت مهدی علیه السلام می توانستند با او ارتباط برقرار کنند. امام حسن عسکری علیه السلام در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ق به دستور معتمد عباسی مسموم شد و به شهادت رسید و امامت دوازدهمین امام آغاز گشت که امامتی از پس پرده غیبت بود.

دوران غیبت امام مهدی علیه السلام در دو مرحله غیبت

صغری و غیبت کبری صورت گرفت. غیبت صغری به مدت ۶۹ سال، از آغاز امامت آن حضرت در سال ۲۶۰ق تا رحلت چهارمین نایب امام مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۳۲۹ق طول کشید؛ سپس دوره غیبت کبری آغاز شد و تا ظهور امام مهدی علیه السلام ادامه دارد. در عصر غیبت صغری چهار نفر از سوی امام مهدی علیه السلام به عنوان نمایندگان و نواب خاص او به شیعیان معرفی شدند که عبارت بودند از:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی

۴- ابو الحسن علی بن محمد سمری

محل فعالیت هر چهار نایب، شهر بغداد بود و هم اکنون نیز مزار آنان در این شهر قرار دارد. اینان ضمن پنهان داشتن نام و مکان زندگی امام دوازدهم، وظیفه داشتند:

۱- بر کار و کلا و نمایندگان مقیم در مناطق شیعه نشین نظارت کنند.

۲- توقیعات^۱ را دریافت و پاسخ آنها را به شیعیان بازگردانند.

۳- وجوه شرعی همچون خمس، زکات و هدایا را دریافت و توزیع نمایند.

۴- شیعیان را به فقیهان و محدثان راستین شیعه برای رفع مشکلات علمی و دینی ارجاع دهند؛ این اقدام نوعی

۱- توقیعات، اصطلاحاً به پاسخ نامه هایی گفته می شد که شیعیان آنها را خطاب به امام زمان علیه السلام نوشته و پرسش ها و درخواست های خود را مطرح و به نواب اربعه (چهارگانه) تحویل می دادند. آنان نیز پس از مدت کوتاهی جواب این توقیعات را به شیعیان می رساندند. گفتنی است گاه این توقیعات بدون آنکه پرسشی مطرح شده باشد، از سوی امام زمان علیه السلام صادر می شد.

آماده‌سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت کبری بود که شیعیان در این دوره، موظف به مراجعه نزد فقها هستند.

۵- با مدعیان دروغین نیابت مبارزه کنند.

چند روز قبل از رحلت آخرین نایب، توقیعی خطاب به او از سوی امام مهدی علیه السلام صادر شد که ضمن خبر دادن از مرگ قریب الوقوع او، آغاز غیبت کبری نیز اعلام شده بود.

با آغاز غیبت کبری، زمام امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی، براساس فرموده امام دوازدهم علیه السلام ۱

بر عهده فقیهانی نهاده شد که علاوه بر شایستگی علمی، از ویژگی عدالت، تقوا و کاردانی نیز می‌بایست برخوردار باشند. فقیهانی این چنینی، براساس ولایتی که از سوی خداوند و به واسطه امامان معصوم به آنان واگذار شده، در دوره غیبت امام عصر (عج)، حق زعامت سیاسی و دینی جامعه را دارا هستند. آنان در طول تاریخ میراث علمی، فکری و معنوی معصومان علیهم السلام را نسل به نسل تا عصر حاضر انتقال داده‌اند و امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران، میراث‌دار این تلاش ارزنده هستند.

داستان سرداب

اکنون در سامرا و در صحن حرم امام دهم و یازدهم، سردابی وجود دارد که به سرداب غیبت معروف شده است. بعضی از غرض‌ورزان این اتهام را متوجه شیعیان کرده‌اند که محل اختفای امام مهدی علیه السلام در این سرداب است و از همین جا ظهور خواهد کرد! اما آیا چنین چیزی جزء باورهای شیعیان است؟ با مراجعه به روایات به این نتیجه می‌رسیم که شیعیان هیچ‌گاه چنین باوری نداشته‌اند. آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام در خانه محل سکونتش - که همان خانه پدر و جدش بوده - غایب شده و از کنار خانه کعبه ظهور خواهد کرد. اما داستان واقعی این سرداب چیست؟ براساس روایات تاریخی، خانه امام هادی و امام عسکری علیهم السلام - که هم اکنون محل دفن آن دو امام است - دو قسمت داشته: قسمتی برای مردان، و قسمتی نیز برای زنان و سردابی نیز زیر اتاق‌ها بوده که در روزهای گرم، اهل خانه در آن به سر می‌بردند. از نظر شیعیان، این سرداب محترم و مقدس است؛ زیرا محل عبادت امام دهم و یازدهم علیهم السلام بوده است.



سرداب منسوب به امام زمان علیه السلام

براساس روایات، در عصر غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام دو نوبت درون این سرداب مشاهده شده که در حال نماز و قرائت قرآن بوده است. بنابراین، آنچه که مغرضان شیعه در خصوص این سرداب گفته‌اند داستانی ساختگی بیش نیست.

۱- امام مهدی (عج) در پاسخ به پرسش یکی از شیعیان به نام اسحاق بن یعقوب، فرمود: «و اما در حوادثی که پیش می‌آید به روایان احادیث ما مراجعه کنید». شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵.

- ۱- عواملی که سبب شد شیعیان، امامت امام جواد علیه السلام را - با وجود کمی سنّ او - بپذیرند بیان کنید.
- ۲- اقدامات فرهنگی امام جواد علیه السلام را بنویسید.
- ۳- یک نمونه از رفتارهای متوکل عباسی نسبت به امام هادی علیه السلام را ذکر کنید.
- ۴- محورهای اصلی تلاش فرهنگی امام هادی علیه السلام را برشمارید.
- ۵- شیعیان چگونه با امام عسکری علیه السلام ارتباط برقرار می‌کردند؟
- ۶- عصر غیبت چند مرحله داشت و تفاوت این مراحل چیست؟
- ۷- نَوَاب اربعه را نام برده و وظایف آنان را ذکر کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- متوکل عباسی، یکی از خلفای سنگدل عباسی است و سرنوشت عبرت‌آموزی دارد. او را بیشتر شناسایی و معرفی نمایید.
- ۲- امامان شیعه علیهم السلام از عصر امام صادق علیه السلام تا پایان غیبت صغری از وکلای خود برای ارتباط با شیعیان بهره می‌بردند. درباره شبکه وکالت، پژوهشی تهیه کنید.

تشیع در عصر عباسیان (۱)

مقدمه

تشیع همچون نهالی بالنده، از آغاز پیدایش، حرکت روبه رشدی داشته است؛ این در حالی بود که دشمنان اموی و عباسی، تلاش زیادی کردند که آن را نابود سازند. در درس های پیشین، با فضای کلی حاکم بر عصر اموی و عباسی و نیز نقش رهبری امامان معصوم در حفظ و گسترش تشیع آشنا شدید. در این درس، چگونگی رشد و گسترش تشیع در مناطق مختلف، و نیز حرکت های سیاسی و فرهنگی شیعیان مورد بررسی قرار می گیرد.

دوره های گسترش تشیع

گسترش تشیع شامل سه دوره است :

- ۱- دوره حضور امامان معصوم علیهم السلام
- ۲- دوره غیبت صغری
- ۳- دوره غیبت کبری.

الف- دوره حضور امامان معصوم علیهم السلام : تشیع

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پدید آمد و با وجود دشمنی های امویان و غیر آنان، رهبری مدبرانه چهار امام نخستین سبب شد که تشیع، حرکتی رو به جلو داشته باشد. در دوره امام پنجم و ششم، زمینه های خوبی برای حرکت های گسترده علمی و تربیت شاگردان بسیار و گسترش تشیع به مناطق مختلف فراهم گشت.

حوادث بعدی و چگونگی مواجهه خلفای

مشهور عباسی - همچون هارون، مأمون و متوکل - با شیعیان، از نگرانی و هراس شدید آنان از گسترش و اقتدار روز افزون تشیع حکایت دارد. به طوری که هارون، به حبس امام کاظم علیه السلام اقدام کرد؛ مأمون به اعطای صوری ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام دست زد و متوکل عباسی اقدامات بسیار خشن نسبت به شیعیان انجام داد؛ به گونه ای که، می توان دوره حکومت او را، عصر محنت شیعیان نامید. وی مرقد امام حسین علیه السلام را ویران کرد، شخم زد و بر آن آب بست؛ امام هادی علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند و تحت نظر قرار داد. شیعیان نیز تحت فشار بودند. شهادت آنها در محاکم قضایی

پذیرفته نمی‌شد و بسیاری از آنان شکنجه و شهید شدند.

ب – دوره غیبت صغری: با فرا رسیدن دوره ۶۹ ساله غیبت صغری، شرایط جدیدی برای شیعیان پدید آمد. آنان از طریق چهار نایب امام زمان علیه السلام با آن حضرت در ارتباط بودند. به جز این چهار نایب، وکلای زیادی در نواحی شیعه نشین مستقر بودند تا نقش ارتباطی میان شیعیان و نواب چهارگانه را ایفا کنند. بدین ترتیب، در عصر غیبت صغری، تشیع به خوبی رهبری شد و مسیر آینده‌اش ترسیم گشت. چنین فعالیت‌هایی، موجب رشد روز افزون تشیع در نواحی گوناگون شد.

ج – دوره غیبت کبری: در نیمه شعبان سال ۳۲۹ق، با درگذشت چهارمین نایب امام زمان علیه السلام، عصر غیبت کبری آغاز شد. در این دوره، خللی در روند گسترش تشیع پدید نیامد؛ زیرا شیعیان از پیش آموخته بودند که در چنین شرایطی، موظف‌اند به فقیهان شیعه که دارای تقوا و شایستگی علمی هستند، مراجعه کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا از سیره و روش امامان معصوم، شواهدی دال بر ارجاع شیعیان به فقهای شیعه، سراغ دارید؟ به نظر شما دلیل این کار امامان چه بود؟

عوامل گسترش تشیع

امامان معصوم علیهم السلام و پرهیز از همکاری با دستگاه ظالم اموی و عباسی؛ شمار زیادی از ایرانیان مسلمان (موالی)، بدان علت که امام علی علیه السلام در تقسیم بیت‌المال میان آنان و اعراب فرقی نمی‌گذاشت، پیرو او شدند.^۳ همچنین مظلومیت امامان و شیعیان آنان، موجب جذب ستم‌دیدگان به آنها می‌شد.

عوامل گسترش روز افزون تشیع – به ویژه در ایران – عبارت است از:

۱- همخوانی آموزه‌های مکتب تشیع با عقل و فطرت؛
 ۲- وجود آیات و روایات متعدد درباره امامت امامان شیعه و فضائل شیعیان آنها؛

۳- التزام امامان معصوم علیهم السلام به اسلام اصیل و پرهیز از بدعت^۱ در دین؛ شیعیان نیز به پیروی از آنان نسبت به دستورات و عبادات شرعی پایبند بودند.^۲

۴- تلاش‌های ائمه و پیروان دانشمندشان در تبیین و تشریح عقاید شیعه.

۵- اندیشه و رفتار عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیز

گسترش تشیع امامی در ایران

از مهم‌ترین افتخارات ایرانیان آن است که از همان قرن اول، مذهب تشیع را پذیرفته و گسترش داده‌اند. یکی از عوامل مهم گرایش ایرانیان به تشیع، به جز آنچه گذشت، تجلی اسلام اصیل در سخنان و رفتار

۱- «بدعت» به اموری گفته می‌شود که جزء دین نیست و به دروغ، به خدا نسبت داده می‌شود.

۲- هنگامی که غلام عبیدالله بن زیاد در مسجد کوفه در صدد شناسایی شیعیان و یافتن مکان مخفی شدن مسلم بن عقیل بود، با دیدن مسلم بن عوسجه که بسیار نماز می‌گزارد، گفت: «شیعیان بسیار نماز می‌گزارند و گمان می‌کنم که این فرد یکی از آنان باشد» (دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، ص ۲۳۵).

۳- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۱؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳ و ثقفی، الغارات، ص ۷۰.

امامان معصوم علیهم السلام بود. متأسفانه از دوره خلافت ابوبکر، برخلاف آموزه‌های دین مبین اسلام، نسبت به ایرانیان مسلمان، برخورد تبعیض آمیزی انجام گرفت. آنان را به عنوان موالی یا مسلمان درجه دو می‌شناختند و از پاره‌ای حقوق و امتیازات محروم می‌کردند. این وضعیت در زمان حاکمیت امویان تشدید شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جانشینان آن حضرت تلاش زیادی کردند که با چنین تفکر و رفتار تبعیض آمیزی که ریشه در دوران جاهلیت داشت، مبارزه کنند. ایرانیان مسلمان با مشاهده مواضع اهل بیت علیهم السلام به یاد سخنان و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره نفی تبعیضات موهوم قومی - قبیله‌ای می‌افتادند و بیشتر به اسلام راستین و امامان شیعه علیهم السلام گرایش پیدا می‌کردند.

با وجود آنکه فرقه‌های منشعب از شیعه - همچون زیدیه و اسماعیلیه - در ایران فعالیت داشتند، اما آنچه

ماندگار شد و سرانجام تمامی ایران را فرا گرفت، تشیع اصیل دوازده امامی بود. کهن‌ترین ناحیه ایران که تشیع بدان راه یافت، شهر قم بود. اشعری‌ها که گروهی از شیعیان یمن بودند از ترس حجاج بن یوسف ثقفی به ایران گریخته، در قم سکنا گزیدند. آنان همواره با امامان معصوم علیهم السلام در ارتباط بودند و امامان نیز به آنان علاقه زیادی داشتند.

به جز قم، شهرها و نواحی دیگری در ایران، به تدریج پذیرای مذهب تشیع شدند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: آبه^۱، کاشان، ری، ورامین، قزوین، همدان، اصفهان، قزیمسین^۲، دینور^۳، آران^۴، اهواز، سیستان، طبرستان، ساری، گرگان (استرآباد)، بیهق (سبزوار)، نیشابور، طوس و برخی از دیگر مناطق خراسان.

محبت ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام موجب می‌شد مکان‌های هجرت امام زاده‌ها، به محل تجمع دوستداران آنها تبدیل شده و کانون‌های جدید شیعی پدید آید.

یک توضیح

بعضی از خاورشناسان و نیز دشمنان امروزی تشیع، از روی غرض‌ورزی، تلاش کرده‌اند نفوذ و گسترش مذهب تشیع در ایران را به عواملی همچون تشابه عقاید شیعیان درباره امامان معصوم علیهم السلام با عقاید ایرانیان عصر ساسانی درباره قدرت اهورایی پادشاه، یا ایرانی بودن مادر امام سجاد علیه السلام و یا قدرت‌گیری حکومت صفویه در ایران مربوط کنند؛ و این در حالی است که براساس شواهد انکار ناپذیر تاریخی، تشیع از عصر امیر مؤمنان علی علیه السلام و پس از آشنایی ایرانیان با اهل بیت علیهم السلام و حقیقت مذهب تشیع و جذابیت‌های آن در مقایسه با دیگر مذاهب، به تدریج در ایران نفوذ کرد و گسترش یافت.

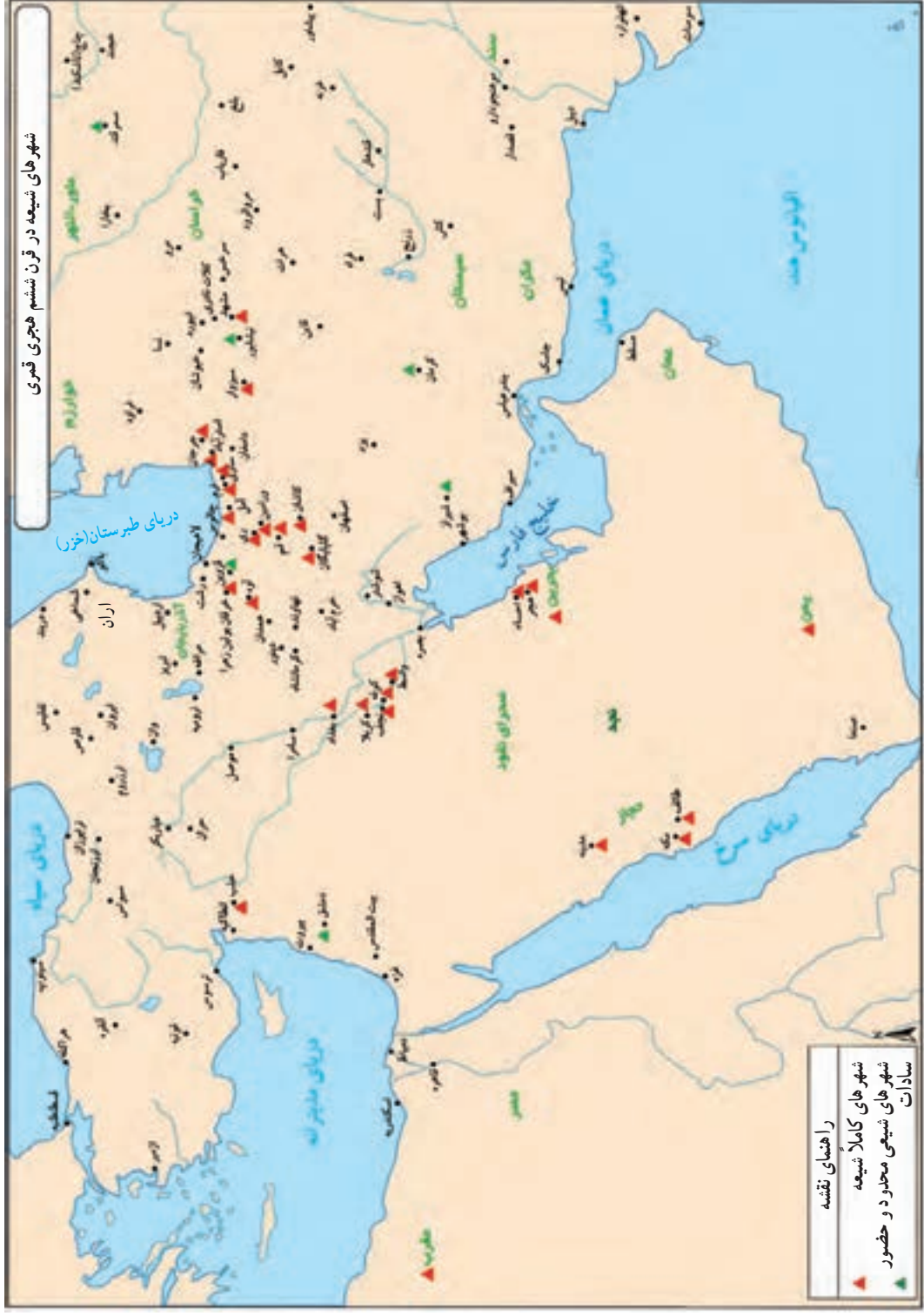
۱- آبه یا آوه، شهری بوده در حد فاصل قم و ساوه که امروزه نیز به صورت روستایی باقی مانده است؛ بنگرید به: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱،

ص ۵۰.

۲- همان کرمانشاه است که آن را به عربی، قزیمسین می‌گفتند؛ همان، ج ۴، ص ۳۳۰.

۳- شهری در نزدیکی کرمانشاه بوده است؛ همان، ج ۲، ص ۵۴۵.

۴- ناحیه‌ای در شمال رود ارس که امروزه به نادرستی آذربایجان خوانده می‌شود؛ همان، ج ۳، ص ۱۹.



زمینه‌ها و عوامل انشعابات شیعی

با وجود آنکه اسامی و ویژگی‌های امامان دوازده‌گانه، در روایات رسول خدا ﷺ و دیگر معصومان آمده بود، اما عواملی چند، سبب شد انشعابات در میان شیعیان پدید آید که عبارت‌اند:

۱- فضای خفقان آمیز عصر اموی و عباسی:

فاش شدن اسامی امامان بعدی، موجب حساسیت حکام ظالم اموی و عباسی و در نتیجه، به خطر افتادن جان امام و پیروانش می‌شد؛ از این رو، حتی الامکان، نام و ویژگی‌های امامان مخفی می‌ماند؛ و همین امر، موجب انحراف برخی شیعیان می‌شد.

۲- فقدان بصیرت لازم: بعضی از شیعیان،

به علت نداشتن بصیرت و آگاهی لازم، در شناخت امام

خویش دچار اشتباه می‌شدند؛ از این رو، کسانی را به عنوان رهبر و امام برمی‌گزیدند که فاقد صلاحیت لازم بودند.

۳- دنیا طلبی: بسیاری از کسانی که اقدام به

ایجاد فرقه‌های جدید کرده‌اند، گرفتار دنیا طلبی و مفاسد اخلاقی بودند؛ به عنوان مثال، سران مذهب واقفه، پس از امام کاظم علیه السلام به طمع چنگ اندازی بر اموال شرعی متعلق به آن حضرت، امامت امام رضا علیه السلام را انکار کردند.

۴- دسیسه‌های امویان و عباسیان: حکومت

امویان و عباسیان برای ایجاد اختلاف میان پیروان امامان علیهم السلام تلاش‌های بسیاری کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید برای موارد فوق، مثال‌ها و نمونه‌هایی دیگر در عصر امامان و در عصر حاضر ذکر کنید؟

مهم‌ترین انشعابات شیعی

اما مهم‌ترین گروه‌های شیعی عبارت بود از:

۱- کیسانیه: اینان، امامت و مهدویت محمد

حنفیه - فرزند امام علی علیه السلام - را باور داشته و معتقد بودند او نمرده و پس از دوره‌ای غیبت، ظهور خواهد کرد. این فرقه، در قرن اول هجری از بین رفت.

۲- زیدیه: پیروان زید - فرزند امام سجاد علیه السلام -

که پس از قیام و شهادت وی، معتقد بودند امامت مختص کسانی از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام است که عادل،

شجاع و اهل قیام مسلحانه باشند. پیروان این فرقه امروزه نیز در یمن و بعضی نقاط دیگر باقی هستند.

۳- اسماعیلیه: با اینکه اسماعیل - فرزند

ارشد امام صادق علیه السلام - در زمان حیات آن حضرت در مدینه از دنیا رفت، اما بعضی از شیعیان معتقد بودند وی نمرده و پس از مدتی ظهور کرده و عدالت را در جهان می‌گستراند. برخی نیز مرگ او را باور کردند، اما به استمرار امامت در فرزندان اسماعیل معتقد بودند این گروه از اسماعیلیان امروزه هنوز باقی هستند.

- ۴- **فَطْحِيه** : کسانی که معتقد به امامت عبدالله افطح – فرزند امام صادق علیه السلام – بودند و امامت امام کاظم علیه السلام را منکر شدند. این گروه در عصر امامان بعدی رفته رفته منقرض شدند.
- ۵- **واقفه** : کسانی که امامت امام رضا علیه السلام را منکر شدند و معتقد بودند امام کاظم علیه السلام در قید حیات است و پس از مدتی، برای اقامه عدل، ظهور خواهد کرد. گفتنی است پیروان این فرقه، با روشنگری‌های امام رضا علیه السلام و ائمه بعدی، رفته رفته از عقیده خود برگشتند.

یک توضیح

غالیان

غالیان یا غُلّات جمع غالی، از ریشه غلّو به معنای زیاده‌روی و تجاوز از حدّ است. در سایر ادیان نیز همواره کسانی بوده‌اند که در عقاید دچار غلو می‌شدند؛ به عنوان مثال، افرادی از یهودیان که حضرت عزیر پیامبر را و کسانی از مسیحیان که حضرت عیسی علیه السلام را خدا می‌پنداشتند، از غالیان به‌شمار می‌آیند. در اسلام نیز کسانی مبتلا به غلو بوده‌اند. در فرقه غیرشیعی می‌توان از راوندیه نام برد که منصور عباسی را خدا و ابومسلم خراسانی را پیامبر می‌پنداشتند! در میان شیعیان نیز افرادی بودند که صفات فوق بشری به امامان معصوم علیهم السلام نسبت می‌دادند و آنان را خدا یا پیامبر می‌دانستند. برخی از اینان برائر مشاهده کرامات و امور خارق‌العاده از امامان معصوم و به علت فقدان درک و معرفت لازم، این خصایص را نشانه خدا بودن آنان تلقی می‌کردند. البته عده‌ای از آنان نیز عقاید و افکار غلوآمیز را بهانه‌ای برای ترک وظایف و تکالیف شرعی قرار داده بودند. عبدالله بن سبأ در عصر حضرت علی علیه السلام، ابوالخطاب در عصر امام صادق علیه السلام و محمد بن نصیر در عصر امام هادی علیه السلام، از جمله غالیان شیعه به‌شمار می‌روند.

امامان شیعه علیهم السلام همواره امت را از گرفتار شدن در دام غالیان برحذر داشته و از عقاید آنان اظهار براءت و بیزاری می‌کردند. امام صادق علیه السلام در روایتی درباره غالیان فرمودند: «با آنان هم‌نشین نشوید، هم‌غذا نباشید، همراهشان چیزی ننوشید و با آنان مصافحه نکنید»^۱.

قیام‌های علویان در عصر عباسیان

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ؛
- ۱- عمل نکردن حاکمان به فرامین قرآن و سنت
- ۲- وارد کردن بدعت در دین، یعنی امور خارج از دین را به نام دین رقم زدن؛
- ۳- محروم شدن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حقوقشان؛
- در درس‌های گذشته با بعضی از قیام‌های علویان در دوران اموی و عباسی آشنا شدیم. عوامل اصلی اقدام علویان به قیام عبارت بود از:

فکر کنید و پاسخ دهید

با توجه به آموخته‌هایتان، آیا می‌توانید نمونه‌هایی برای موارد فوق ذکر کنید؟

— ابراهیم — نیز بصره را به تصرف خود در آورد. قیام این دو برادر — بر خلاف پیشرفت‌های اولیه — پس از دو ماه، به وسیله سپاه منصور عباسی شکست خورد و محمد در مدینه و ابراهیم در محلی نزدیک بصره^۱ کشته شدند.

— قیام حسین بن علی (شهید فح) : وی نیز در سال ۱۶۹ق در دوره هادی عباسی در محل فح — نزدیک مکه — قیام کرد. او از نواده‌های امام حسن علیه السلام بود^۲ و ستم‌های فراوان عباسیان در حق علویان، او را مصمم به قیام کرد. قیام او در مدینه آغاز و به تصرف آنجا منجر شد. اما هنگام عزیمت به مکه در منطقه فح به همراه تعدادی از علویان و دیگر یارانش به شهادت رسید. بنابر بعضی روایات، سال‌ها قبل از شهادتش، رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعضی از امامان معصوم، از این رویداد خبر داده بودند.^۳ هنگامی که سرهای این شهدا را به مدینه بردند، امام کاظم علیه السلام با مشاهده سر حسین بن علی درباره‌اش فرمود :

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». او در حالی از دنیا رفت که مسلمانی نیکوکار بود. بسیار روزه می‌گرفت و فراوان نماز می‌گزارد. امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در میان خاندانش بی‌نظیر بود.^۴

غالب این قیام‌ها در دو قرن اول حاکمیت بنی عباس — یعنی در عصر حضور امامان معصوم و در عصر غیبت صغری — رخ داد. هر چند، این قیام‌ها به سرنگونی بنی عباس منجر نشد و اکثراً به کشته شدن و شهادت رهبران آن انجامید، اما وقوع این قیام‌ها اسناد تاریخی گویایی بر ستمگری و ماهیت باطل خلافت عباسی است. در ادامه، مهم‌ترین قیام‌های علویان در عصر بنی عباس مرور می‌شود :

— قیام محمد ذی‌النفوس الزکیه و برادرش ابراهیم : محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، نواده امام حسن مجتبی علیه السلام بود. بنی عباس پیش از آنکه به پیروزی برسند، چنین وانمود می‌کردند که قصد دارند برای خلافت او قیام کنند و حتی با او بیعت کرده بودند؛ اما در واقع، هدف دیگری در سر داشتند. محمد و پدرش نیز باور کرده بودند که همه چیز بر وفق مراد آنان است و حتی توقع داشتند امام صادق علیه السلام نیز با محمد بیعت کند. پس از روی کار آمدن بنی عباس و آشکار شدن نیرنگ آنان، محمد بن عبدالله بر ضد بنی عباس قیام کرد. وی در سال ۱۴۵ق در مدینه قیام و آن شهر را تصرف کرد و برادرش

۱- نام این محل باخمری بود، از این رو، وی به ابراهیم قتل باخمری معروف شد.

۲- (نسبش چنین بود : حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن علیه السلام). او از والدینی زاده شد که به «زوج صالح» شهره بودند.

۳- بنگرید به : مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۷۰.

۴- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۳۸.

— قیام‌های علویان در دوره مأمون : جنبش‌های علویان پس از مرگ هارون اوج گرفت. اوضاع آشفته ناشی از نزاع امین و مأمون و خشم فروخورده شیعیان از نیرنگ و ظلم خاندان بنی‌عباس در حق مسلمانان، از جمله عوامل اوج‌گیری قیام‌های علویان در عصر مأمون بود. در این دوره، شهرها و مناطق مختلف حجاز، یمن و عراق شاهد قیام‌های متعددی بود که به رهبری اشخاصی از نوادگان امامان علیهم‌السلام در گرفت. برخی از این جنبش‌ها، برای مدت کوتاهی موفق شدند بر شهرها یا مناطقی تسلط پیدا کنند، اما به سبب عدم هماهنگی و متحد نبودن رهبران قیام، در نهایت شکست خوردند و سرکوب شدند.

در دوران خلافت معتصم و متوکل نیز به دلیل تشدید سخت‌گیری و ستمگری نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان و مخصوصاً توهین متوکل به بارگاه مقدس امام حسین علیه‌السلام، چندین قیام توسط علویان به پا شد. محمدبن

قاسم از نوادگان امام سجاد علیه‌السلام در کوفه علیه معتصم عباسی قیام کرد و پس از ورود به ایران، دامنه قیام گسترش یافت. او سرانجام در خراسان به اسارت درآمد و در سامرا زندانی و ناپدید شد.

— یحیی بن عمر طالبی : از نوادگان جعفر طیار بود و به زهد و تقوا اشتهار داشت، در کوفه علیه متوکل عباسی قیام کرد و آن شهر را به تصرف درآورد، اما نیروهای عباسیان قیام را سرکوب کردند و یحیی را به شهادت رساندند. به گفته مسعودی : «افراد زیادی از کوچک و بزرگ بر مرگ او محزون شدند و گریستند و افراد نزدیک و دور در رثایش شعر سرودند.»^۱

برخی از قیام‌های علویان در سده‌های دوم تا پنجم هجری قمری، منجر به تأسیس حکومت‌های مستقلی شد که در درس بعدی بررسی می‌شوند.

نخستین کانون‌های شیعه در ایران

می‌دانیم که ریشهٔ تشیع به عصر رسول خدا ﷺ باز می‌گردد. پس از رسول خدا ﷺ نیز با پیدایش جریان سقیفه، شیعیان هرچند در اقلیت بودند، اما حضور و ثبات خود را در کوران حوادث حفظ کردند. با مهاجرت امیرمؤمنان علی علیه السلام به کوفه و مرکزیت این شهر در دورهٔ خلافت آن حضرت، این شهر به کانون حضور شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام تبدیل شد. به مرور، تشیع به دیگر مناطق نیز نفوذ کرد که از جملهٔ آنها مناطقی در ایران بود.

در میان مناطق مختلف شیعه‌نشین در ایران، شهر «قم»، قدیمی‌ترین منطقهٔ شیعه‌نشین بوده است و پس از قم، تشیع به مناطق دیگر همچون آوه، کاشان، تفرش، ری و خراسان سرایت کرد. البته قم نیز تشیع خود را از کوفه گرفت؛ چرا که اولین مهاجران شیعی - یعنی اشعری‌ها - از کوفه عازم این شهر شدند. آنان، فرزندان سائب بن مالک اشعری بودند؛ وی در کوفه، «شیخ شیعه» بود و در کنار مختار به شهادت رسید. پسر او - احوص - نیز در زمان حجاج بن یوسف، به سبب شرکت در قیام ابن اشعث دستگیر شد و با وساطت برادرش - عبدالله - آزاد گشت. از آنجا که زمینهٔ دستگیری مجدد او و دیگر برادرش وجود داشت، خاندان اشعری تصمیم به خروج از عراق گرفتند. آنان به قصد اصفهان حرکت کردند؛ اما به علت دعوت بومیان ساکن قم از آنان برای دفع اشرار، در قم ساکن شدند و این، به منزلهٔ آغاز ورود تشیع به قم - بلکه به ایران - بود. پس از آن، این شهر به کانون حضور محدثان و فقهای بزرگ شیعی همچون شیخ صدوق تبدیل گشت و امروزه، با حوزهٔ علمیه عظیمی که در خود جای داده، به عرصهٔ نشر و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام در سطح جهان تبدیل شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند گسترش تشیع را در دورهٔ حضور امامان شیعه علیهم السلام توضیح دهید.
- ۲- عوامل گسترش روزافزون تشیع را در عصر عباسیان برشمارید.
- ۳- شهر قم چرا و چگونه تبدیل به نخستین کانون ترویج تشیع در ایران شد؟
- ۴- عواملی را که موجب بروز انشعاب در شیعه شد به اختصار بیان کنید.
- ۵- مهم‌ترین فرقه‌های شیعه را برشمارید و یکی را معرفی کنید.
- ۶- عوامل و زمینه‌های اصلی قیام‌های علویان را در عصر عباسیان بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- دربارهٔ سابقهٔ تاریخی قم و نقش آن در گسترش تشیع پژوهشی انجام دهید.

تشیع در عصر عباسیان (۲)

مقدمه

در درس پیش، با دوره‌ها، عوامل و سیر گسترش تشیع و نیز مهم‌ترین انشعابات و قیام‌های شیعی آشنا شدید. برخی از جنبش‌های شیعیان در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام زمینه‌ساز تشکیل حکومت‌هایی در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام شد. این حکومت‌ها نقش مهمی در گسترش تشیع و آداب و رسوم آن داشتند. در این درس، مهم‌ترین این حکومت‌ها مطالعه و بررسی خواهند شد.

حکومت‌های شیعی

قیام برخی از علویان به تشکیل حکومت‌هایی منجر شد که سالیان متمادی در برخی از مناطق حاکمیت داشتند؛ مهم‌ترین این حکومت‌ها معرفی می‌شوند.

۱- ادریسیان: می‌توان این دولت را اولین دولت علویان دانست که توسط یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام در مغرب دور (مراکش) تأسیس شد. وی یکی از یاران امام صادق علیه السلام بود که در قیام حسین بن علی - شهید فح - شرکت کرد و سپس به مغرب گریخت و در سال ۱۷۲ق، پس از بیعت مردم ساکن در سرزمین مغرب دور با او، دولتش را تأسیس

کرد؛ اما در سال ۱۷۷ق با توطئه هارون عباسی مسموم و به شهادت رسید.^۱ پس از او، مردم در شهر «فاس»^۲ با فرزند خردسالش - موسوم به ادریس بن ادریس - بیعت کردند و این دولت، روز به روز قوت بیشتری یافت. دولت ادریسیان، دشمنان و رقبای متعددی همچون عباسیان، خوارج، امویان اندلس، فاطمیان و بعضی قبایل محلی داشت؛ به همین دلیل پس از کشمکش‌های بسیار، در سال ۳۷۵ق و پس از حکومتی ۱۷۳ساله، به دست امویان اندلس سرنگون شد. شایان ذکر آنکه این دولت، بعضی از نشانه‌های شیعی را آشکار کرد از جمله، ضرب سکه‌هایی با جمله «علی ولی الله» بود.

۱- مزار او در شهر «ولیلی» مراکش، امروزه زیارتگاه است.

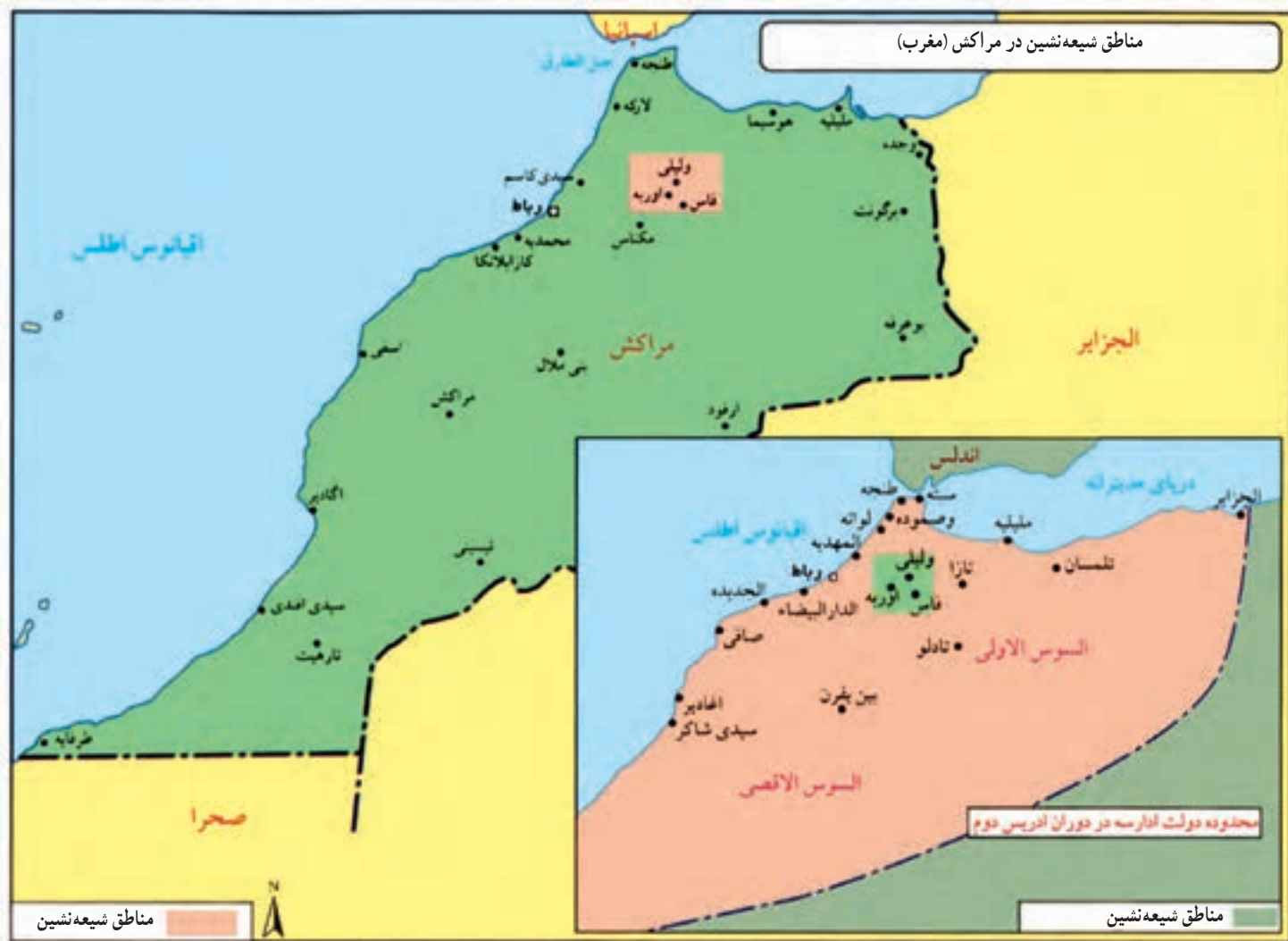
۲- پایتخت مراکش امروزی.



سکهٔ ادرسیان، منقش به نام علی علیه السلام

۲- علویان طبرستان : طبرستان از نواحی مهم

تاریخی شمال ایران به شمار می‌آید. در سال ۲۵۰ ق یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام حسن بن زید علوی، موفق شد حکومتی در این ناحیه تشکیل دهد که تا سال ۳۱۶ ق دوام آورد و به دست سامانیان سرنگون شد. این حکومت موفق شد شیعیان را در این ناحیه گسترش دهد و شعارها و نمادهای شیعی را آشکار کند. به عنوان مثال، در بخشی از فرمان حسن بن زید به





کارگزارانش آمده بود :

– به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و به آنچه به طور یقین از امیرمؤمنان علی علیه السلام در اصول و فروع رسیده، عمل شود.

– حضرت علی علیه السلام از همه امت برتر دانسته شود. – «بسم الله الرحمن الرحيم» در نمازها با صدای بلند قرائت شود.

– «حَىٰ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان و اقامه گفته شود.

۳– زیدیان یمن : این دولت به وسیله یکی از نواده‌های امام حسن مجتبی علیه السلام به نام یحیی بن حسین^۱ تأسیس شد. وی در سال ۲۸۰ق وارد یمن شد و طی مدت هجده سال توانست پایه‌های حکومتش را تثبیت کند. مرکز این حکومت، شهر «صَعْدَه» بود. یحیی در آغاز حکومتش نامه‌ای برای اهالی یمن نوشت و در آن، مردم را به جهاد دعوت کرد؛ زیرا وی پیرو مذهب «زیدیه» بود که قیام و جهاد را از شرایط امام می‌دانستند. پس از او،

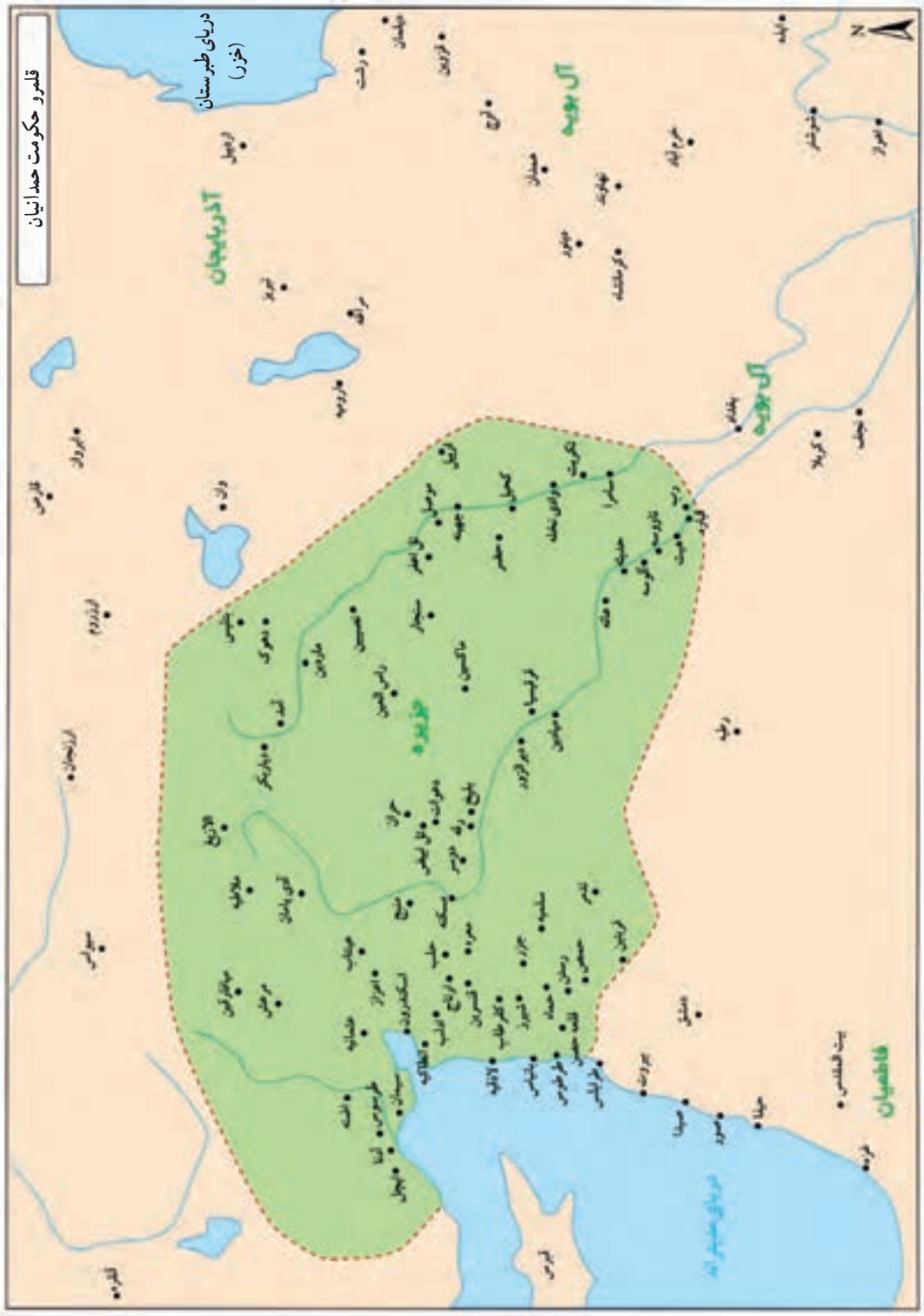
فرزندان و نوادگانش تا سال ۴۴۴ق این حکومت را ادامه دادند، اما در این سال، مغلوب اسماعیلیان شدند. زیدیان پس از مدتی خموشی و فترت، در سال ۵۸۳ق، با قیام امام عبدالله بن حمزه، دور دوم حکومتشان را بر یمن برپا کردند. این حکومت نیز پس از افت و خیزهای متعدد، تا قرن اخیر ادامه یافت و در سال ۱۳۸۲ق با کودتای عبدالله سَلَال پایان یافت.

۴– دولت حَمْدَانِيَان : حَمْدَانِيَان، سلسله‌ای دارای مذهب تشیع دوازده امامی بودند که از حدود سال ۲۹۲ تا ۳۹۴ق بر بخش‌هایی از شام و شمال عراق (جزیره) فرمان راندند. نیای آنان، حَمْدَان بن حارث نام داشت که با قبیله خویش پیرامون موصل ساکن شده بود. وی پس از مدتی همکاری با خوارج، توسط معتضد عباسی زندانی شد، اما فرزندش – حسین – به نبرد با خوارج برخاست و فرزند دیگرش – عبدالله – از سوی خلیفه مکتفی فرمانروای موصل شد. برخی دیگر از



قلعه مربوط به دوره حمدانیان

۱– یحیی بن حسین بن قاسم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام.



قلمرو حکومت حیدرآباد

دریای طبرستان
(خزر)

آذربایجان

آل بویه

آل بویه

گلزیل

قلمرو

جنگ‌های او با رومیان بوده است. حمدانیان با وجود پاره‌ای کاستی‌ها، امیرانی دانش‌دوست و ادب‌پرور بودند و دربارشان - به ویژه دربار سیف‌الدوله - محفل شاعران و دانشمندان بود. حمدانیان موصل در سال ۳۶۹ ق ساقط شدند، اما حمدانیان حلب تا سال ۳۹۲ ق بر حکومت باقی ماندند. عوامل انقراض آنان عبارت بود از: وجود رقبایی همچون آل بویه و فاطمیان، بی‌تجربگی و جوانی برخی حکمرانان و کشمکش با رومیان.

پسران او نیز مناصب دیگری یافتند. عبدالله بن حمدان دو پسر به نام‌های حسن و علی داشت. حسن از سوی خلیفه عباسی، لقب ناصرالدوله و علی، لقب سیف‌الدوله گرفتند. حمدانیان توانستند حکومت خود را در دو ناحیه شمال عراق با مرکزیت موصل و ناحیه شام با مرکزیت شهر حلب استمرار ببخشند. در موصل، ناصرالدوله و فرزندانش، و در حلب نیز سیف‌الدوله و فرزندانش حکومت کردند. از مهم‌ترین اقدامات سیف‌الدوله،

جدول امیران بنی‌حمدان (حمدانیان)

| سال خلافت | نام امیر | ردیف |
|-------------|---|-------|
| ۳۱۷ - ۳۵۸ ق | الف - حمدانیان موصل | |
| ۳۵۸ - ۳۶۹ ق | ناصر الدوله حسن | ۱ |
| ۳۶۹ ق | عدة الدوله ابوتغلب | ۲ |
| ۳۷۱ - ۳۸۹ ق | غلبه آل بویه ابوظاهر ابراهیم و ابو عبدالله الحسین (هر دو مشترکاً از طرف آل بویه حکومت کردند) | ۳ و ۴ |
| | ب - حمدانیان حلب | |
| ۳۳۳ - ۳۵۶ ق | سیف الدوله علی اول | ۱ |
| ۳۵۶ - ۳۸۱ ق | سعد الدوله شریف اول | ۲ |
| ۳۸۱ - ۳۹۲ ق | سعید الدوله سعید | ۳ |
| ۳۹۲ - ۳۹۴ ق | ابوالحسن علی دوم | ۴ |
| ۳۹۴ - ۳۹۹ ق | ابوالمعالی شریف دوم | ۵ |

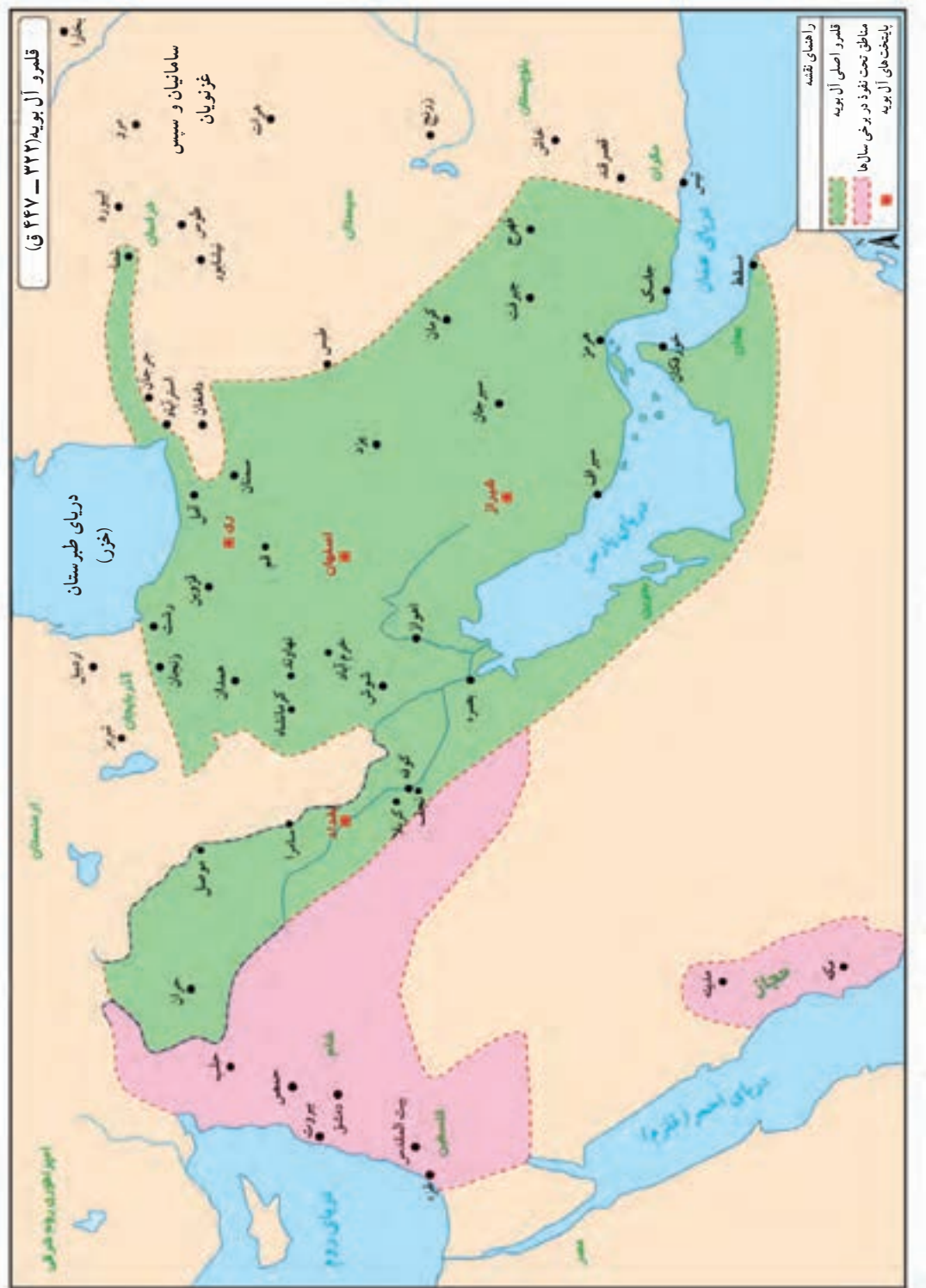
تا اصفهان، ری، همدان، کرمان، فارس و اهواز گسترش داد. مدتی بعد سپاهیان آل بویه به فرماندهی احمد، برادر کوچک‌تر در سال ۳۳۴ ق وارد بغداد شدند و خلیفه عباسی تحت نفوذ و سلطه بوییان قرار گرفت. نخستین حکمرانان این سلسله زیدی مذهب، اما سایر حکمرانان آل بویه شیعه دوازده امامی بودند.

۵- آل بویه: سلسله‌ای ایرانی و شیعه بود که از ۳۲۲ تا ۴۴۷ ق بر بخش‌های وسیعی از ایران، عراق و مرزهای شمالی شام فرمان راندند. این سلسله توسط پسران بویه^۱ از اهالی دیلم تأسیس شد. علی، برادر بزرگ‌تر که به فرمان مرداویج^۲، حاکم کرج^۳ شده بود، با استفاده از ضعف آل زیار و خلافت عباسی، قلمرو حکومت خود را

۱- علی عماد الدوله، حسن رکن الدوله و احمد معز الدوله

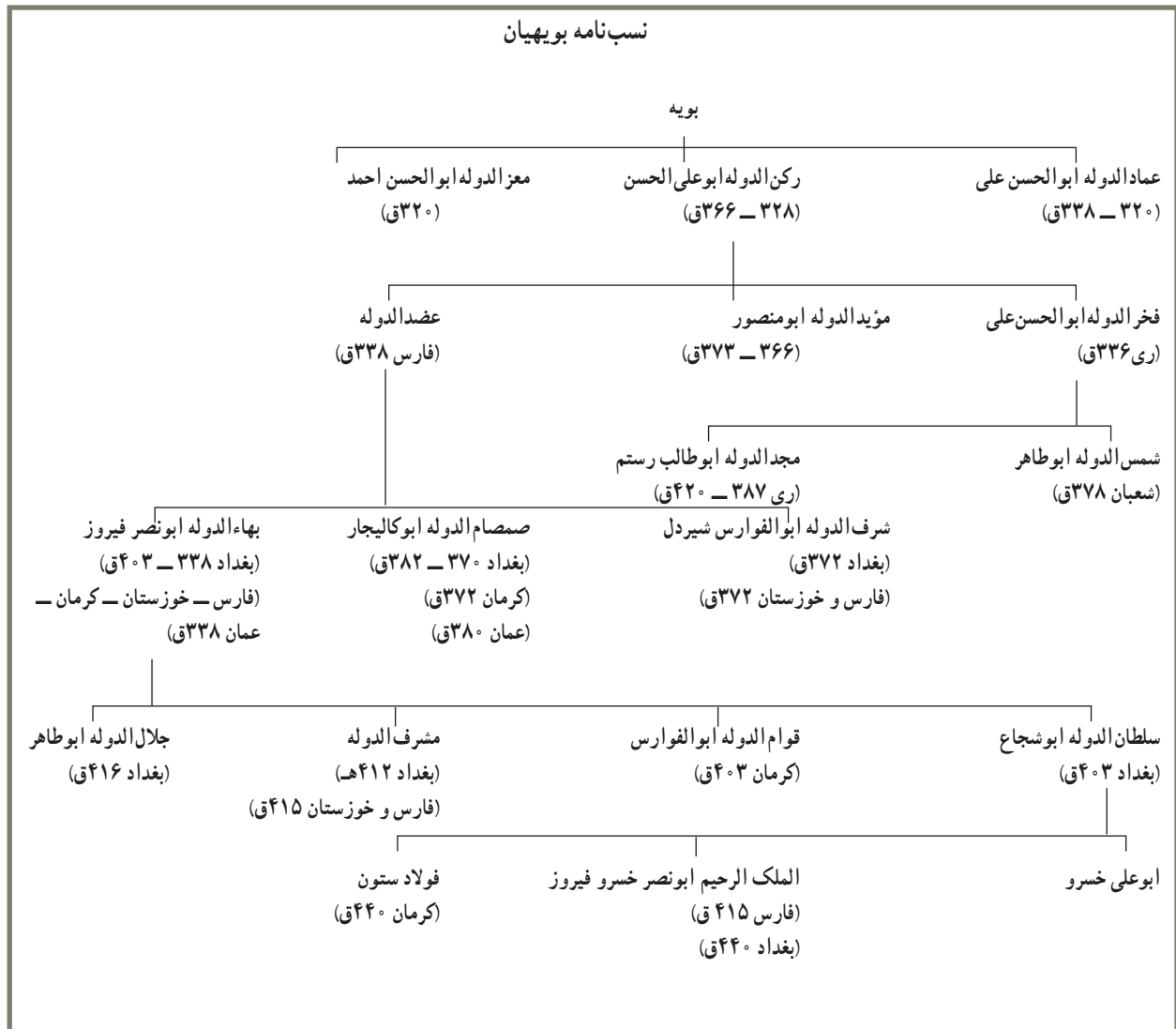
۲- بنیانگذار سلسله آل زیار

۳- کرج ابو دُلَف شهری در میانه راه همدان و اصفهان بود.



در زمان حکمرانی آل بویه نمادها و مظاهر مذهب شیعه امامیه رشد و گسترش پیدا کرد و در کنار برپایی عزاداری علنی در روز عاشورا و تعزیه خوانی، جشن عید غدیر و سالروز امامت حضرت علی علیه السلام نیز گرامی داشته شد. همچنین عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» که از زمان خلیفه دوم راشدین حذف شده بود، دوباره به اذان اضافه گردید.

این سلسله شیعی مذهب در اواخر حاکمیت به سبب اختلافات و نزاع‌های خانوادگی دچار ضعف و سستی شده و سرانجام در ۴۴۷ ق توسط طغرل بیگ سلجوقی برافتاد.



۶- دولت بنی مزید: این حکومت در اواخر سده چهارم هجری شکل گرفت و تا نیمه سده ششم هجری (۵۵۸ق) ادامه حیات داد. قلمرو آن، مناطقی از جنوب بغداد تا شمال بصره را در برمی گرفت. اینان از قبایل مهاجر جنوب عربستان به عراق بودند که توانستند با حمایت دولت شیعی آل بویه، دولیشان را پایه‌ریزی کنند. مؤسس آن، مزید بن مزید بود. فرزندش - علی - و نواده‌اش - دُبیس - از حکام مقتدر این حکومت

بوده‌اند. مذهب بنی مزید، تشیع اثنی عشری، و از مهم ترین خدماتشان، بنای شهر حله بود که بعدها، مهد پرورش علما و دانشمندان شیعی شد.

۷- حکومت‌های اسماعیلی مذهب: در سده‌های سوم تا هفتم هجری، دولت‌هایی با گرایش به مذهب اسماعیلیه، در نقاط گوناگون، از شمال آفریقا تا یمن و نواحی مرکزی ایران مانند دولت‌های قرامطه بحرین، فاطمیان مصر و اسماعیلیان الموت روی کار آمدند. قرامطه گروهی بودند که از سال ۲۶۴ق حرکت تبلیغی و نظامی خود را در عراق آغاز کردند. اینان را به اعتبار یکی از بزرگ‌ترین رهبران‌شان - موسوم به حَمْدان قَرَمَط - قرامطه خوانده‌اند. گرچه آنان، محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام را امام خود می‌خواندند، اما گرفتار عقاید و رفتارهای کاملاً ضدّ

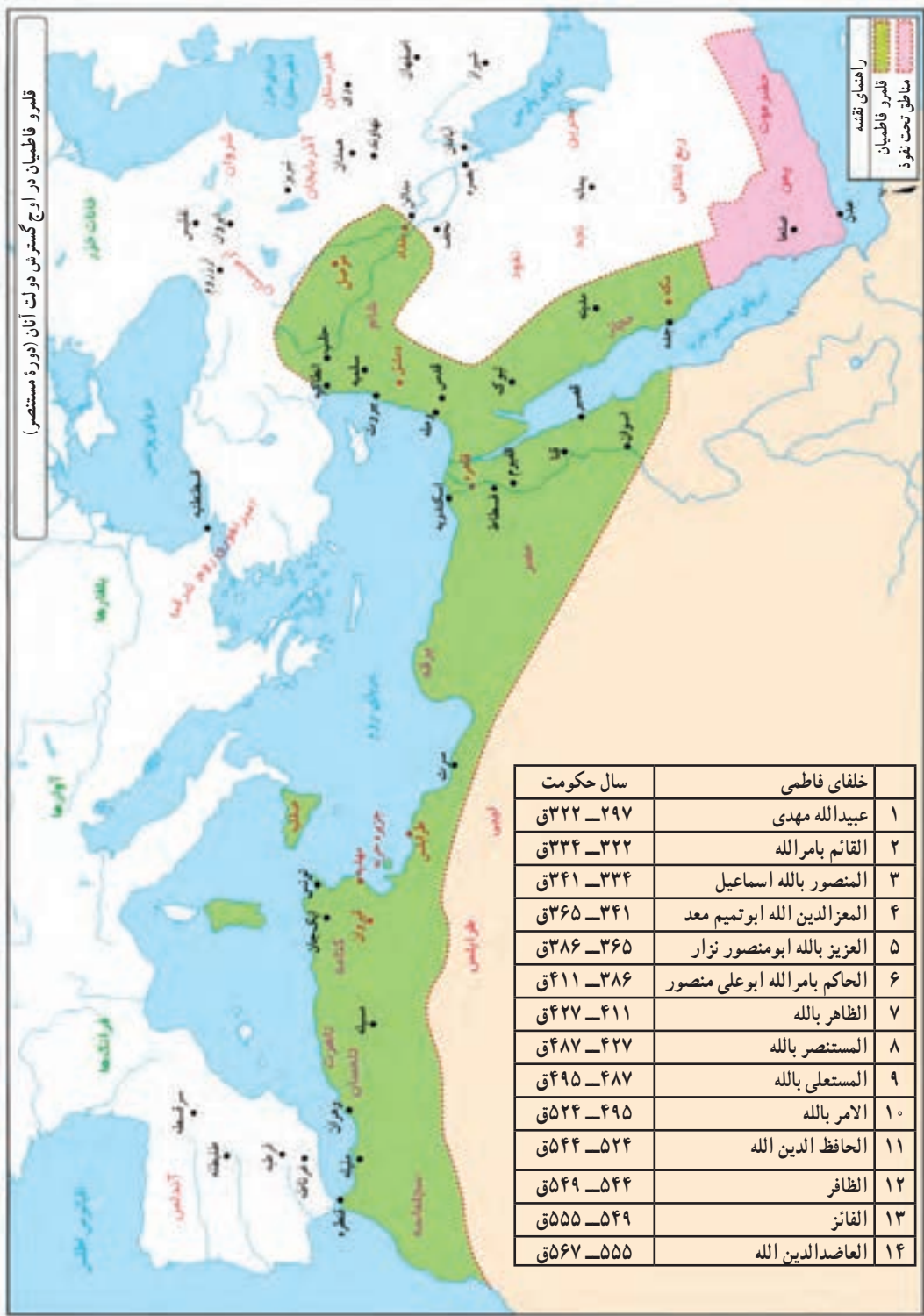
اسلامی شدند و بارها کاروان حُجّاج را غارت کردند. در اواخر قرن سوم هجری، یکی از قرامطیان - موسوم به ابوسعید جنّابی - توانست بحرین را تصرف کند و حکومتی تشکیل دهد که تنها یکی از رفتارهای زشت آن، حمله به مکه و کشتار حاجیان بود. این حکومت در سال ۳۶۳ق از خلیفه فاطمی مصر شکست خورد و نابود شد. فاطمیان نیز، سلسله‌ای اسماعیلی مذهب بودند. اینان، از سال ۲۹۷ تا ۵۶۷ق، ابتدا در شمال آفریقا (تونس) سپس در مصر خلافت کردند. به آنان فاطمی گفته می‌شد؛ زیرا خود را از نسل امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می‌دانستند. مؤسس آن، عبیدالله المهدی^۱ است. آنها در سال ۳۵۸ق مصر را تصرف کرده و قاهره را به عنوان پایتخت خود برگزیدند.



مسجد الازهر قاهره

۱- عبیدالله بن حسین بن احمد بن عبد الله بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام.

قلمرو فاطمیان در اوج گسترش دولت آنان (دوره مستنصر)



زدند نظیر: حذف نماز تراویح و بدعت شمردن آن^۱، تأکید بر صلوات بر اهل بیت رسول خدا ﷺ، برتر دانستن امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه، بازگرداندن «حی علی خیر العمل» به اذان و ...

اما واکنش بنی عباس در برابر فاطمیان چنین بود:

۱- بهره‌گیری از ابزار سیاسی و نظامی برای کاستن

از توسعه قلمرو فاطمیان؛

۲- تهاجم به عقاید دینی آنان و تحریک اهل سنت

بر ضد فاطمیان؛

۳- انکار نسب فاطمیان از طریق جعل و ترویج

روایاتی که نسب آنان را به کسی غیر از امام علی علیه السلام و

حضرت فاطمه علیها السلام می‌رساند.

روابط فاطمیان با عباسیان همواره خصمانه بود؛ زیرا آنان همچون بنی عباس مدعی خلافت بر سراسر قلمرو اسلامی بودند. آنها تلاش می‌کردند در قلمرو عباسیان نفوذ کنند و عباسیان نیز به علت ضعف، حالت دفاعی گرفته بودند. محورهای اصلی عملکرد فاطمیان در مقابل بنی عباس عبارت بود از:

۱- نفوذ در قلمرو خلافت عباسی، از طریق اعزام

داعیان (مبلغان اسماعیلیه) و انجام عملیات سیاسی و نظامی

۲- حذف نفوذ معنوی عباسیان و کاستن از اعتبار

و مشروعیت حکومت عباسی

۳- مقابله با شعائر مذهبی اهل سنت که بنی عباس

مدعی آن بودند. بدین جهت، فاطمیان دست به اقداماتی



سکه المعز خلیفه فاطمی

اسماعیلیه در نقاط مختلف - از جمله ایران - بهره

می‌بردند. یکی از کسانی که با تبلیغات مبلغان اسماعیلی،

به این مذهب درآمد، حسن صباح بود. وی در سال ۴۶۹ق

به مصر سفر کرد و یک سال و نیم در آنجا ماند. در این

زمان، خلیفه فاطمی، «مستنصر» بود. با مرگ او، بین دو

پسرش - نزار و مُستعلی - اختلاف افتاد^۲. حسن صباح

در طول دوره خلافت فاطمیان، با وجود جنگ‌های

صلیبی و بی‌نظمی‌ها و شورش‌ها، امور مصر رونق فراوان

گرفت و فعالیت‌های فکری، ادبی و هنری نیز افزایش یافت.

اسماعیلیان ایران

فاطمیان از موقعیت خود برای نشر مذهب

۱- نماز تراویح، نمازهای مستحبی شب‌های ماه رمضان است. شیعیان معتقدند براساس تعالیم اهل بیت، اقامه نماز مستحبی به جماعت جایز نیست، ولی خلیفه دوم در دوره خلافتش دستور داد آن را به جماعت اقامه کنند؛ بنگرید به: امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۵، ص ۳۱.

۲- پیروان نزار، اسماعیلیان نزاری، و پیروان مُستعلی، اسماعیلیان مستعلوی را تشکیل دادند.

از نزار حمایت کرد و پس از بازگشت به ایران، در سال ۴۸۳ق قلعۀ «الموت» را در ارتفاعات شمالی قزوین تصرف کرد و حکومت «اسماعیلیانِ نزاری» را تشکیل داد. پایان این حکومت به دست هلاکوخان مغول بود که در سال ۶۵۴ق قلعۀ الموت را تصرف و ویران کرد.



سیدرضی و نهج البلاغه

سیدرضی یا شریفرضی، لقب یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علمی شیعه است. نام و نسب او محمدبن حسین بن موسی بن محمدبن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام بود؛ بنابراین، وی و برادرش - علی که معروف به سیدمرتضی علم الهدی بود - از نسل امام هفتم بوده‌اند. او در سال ۳۵۹ ق در بغداد زاده شد. پدرش - حسین - نقیب سادات بود و به امور آنان رسیدگی می‌کرد و این مقام پس از پدر، به سیدرضی رسید. سیدرضی از همان اوان طفولیت، نبوغ و استعداد عجیبی داشت. از ده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و از همان دوران طفولیت به همراه برادرش، به افتخار شاگردی شیخ مفید نائل آمد. در این باره، نقل شده که شبی شیخ مفید در عالم رؤیا، مشاهده کرد که حضرت فاطمه علیها السلام دست دو فرزند خردسالش - حسن و حسین علیهما السلام - را گرفته و نزد او آمد و فرمود: ای شیخ، به آنان علم فقه بیاموز! شیخ از این رؤیا

در تحیر بود که صبحگاهان، مادر سیدرضی و سیدمرتضی در حالی که دست آن دو را گرفته بود نزد شیخ آمد و به او گفت: ای شیخ به این دو، علم فقه بیاموز! و شیخ تعبیر رؤیای خود را باز یافت. سیدرضی پس از عمری نسبتاً کوتاه و پس از خدمات علمی فراوان، در ششم محرم سال ۴۰۶ ق رحلت کرد و در خانه‌اش - کنار حرم کاظمین علیهما السلام - در بغداد دفن شد. گفته‌اند: برادرش - سیدمرتضی - از شدت اندوه، نتوانست در مراسم تشییع او شرکت کند. از مهم‌ترین آثار سیدرضی، کتاب نهج البلاغه است. وی پس از نوشتن کتاب خصائص الائمة، به فکر جمع‌آوری بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات کوتاه امیرمؤمنان امام علی علیه السلام افتاد. از این رو، نهج البلاغه را فراهم آورد که شاهکاری ادبی است و شرح‌های فراوان بر آن نگاشته شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حکومت‌های شیعی مقارن با حکومت عباسیان چه گستره جغرافیایی را دربر می‌گرفت؟
- ۲- حکومت‌های ادرسیان، علویان طبرستان و آل بویه چه پیامد فرهنگی مشترکی برای مذهب تشیع داشتند؟
- ۳- چرا روابط عباسیان و فاطمیان خصمانه بود؟
- ۴- دو مورد از عملکرد فاطمیان در مقابل عباسیان را بنویسید.
- ۵- عباسیان برای مقابله با تبلیغات فاطمیان چه اقداماتی انجام دادند؟

اندیشه و جست و جو

- درباره نقش دولت آل بویه در حمایت از شیعیان و دانشمندان شیعی جست و جو کرده و پژوهشی ارائه کنید.

